

دموکراسی و آزادی بیان مک کرایستل و پتریوس



طبلنوازیهای امریکا- ناتو و همدستان منطقوی و افغانی شان هیچگاهی از خاطر م ن میرو د که همه روزه داد از دموکراسی و آزادی بیان میزدند و اینک خود ناقض آن هستند. من درینجا نمیخواهم یک جنرال امریکایی را که دوست جنگسالاران و تفنگسالاران است، مورد حمایه قرار دهم، بلکه میخواهم به ماهیت سیستم فروپاشنده سرمایه داری گلوبال اشاره کنم.

"اشتباهی" را که ستر جنرال مک کرایستل مرتکب شد همانا انتقاد شدید از برخوردها و استراتیژی ناتو- امریکا در افغانستان است که لبه تیز آن متوجه آقایون جو بایدن معاون رئیس جمهور و کارل هایکن بیری سفیر ایالات متحده امریکا در کابل بود. وی اضافه نموده که سیاست رئیس جمهور اوپاما در افغانستان مقدر نتیجه نیست.

جنرال امریکائی زمانیکه متوجه میشود که واقعیت دموکراسی امریکائی پهلوی دیگری هم دارد، زمانی است که تیر از کمان جسته و به هدف هم اصابت نکرده است. بناً به عذر خواهی و معذرت میپردازد و نطق آقای کرزی به وی لقب "همکار اعتمادی" و "شخصیت مطمئن برای انسجام همکاریها میان ایالات متحده امریکا و متحدان شان" را میدهد. همه کشور های بزرگ داخل جنگ افغانستان از وی پشتیبانی میکنند و وی را بمثابة یک "شخصیت معقول و پذیرا" قلمداد می کنند، ولی غول سرمایه تصمیم اش را اتخاذ نموده و نخست وی را به واشنگتن

احضار نموده و بعداً برایش هدایت میدهند تا از عهدهٔ قوماندان عمومی نیروهای ناتو در افغانستان استعفاً بدهد که چنین هم شد. آخرین گفته‌های وی صرف یک جمله بود: " این خدمت برایم افتخار است." اندکی بعد از استعفای تحمیلی جنرال چهار ستارهٔ امریکایی بلا فاصله جنرال دیوید پیتریوس قبلاً قوماندان عمومی نیروهای ناتو در عراق که توانست به جنگ عراق مسیر تازه‌ی ببخشد و " پیروزی" را نصیب نیروهای ائتلاف بسازد، به سمت وی گماشته میشود.

اگر دموکراسی حکومت میکند نباید چنین برخوردها باعث کنار زدن کادرها شود.

درینجا مطلب اساسی در آن نهفته است که جنرال مک کرایستل اگر مورد اعتماد ناتو- امریکا باشد و یا هم نباشد وظیفه‌ایکه برایش در ماه جون ۲۰۰۹ سپرده شده بود به انجام رسیده و ضرورت ادامهٔ مأموریتش احساس نمیشود. برای اینکه موصوف در امور سوق و ادارهٔ نیروها در جنگهای منطقه‌ی و فرا منطقه‌ی دسترسی ندارد. درینجا ضرور بود تا بخاطر حملهٔ احتمالی بالای ایران و شاید هم کشور دیگری در منطقه، شخصی را انتخاب نمایند که درین عرصه امتحان جلادی را به انجام رسانیده است و آن جنرال پیتریوس است.

روکش این مطلب را بخاطری مک کرایستل نام گذاشتند تا افکار عامه را متوجه تحلیل‌های بچگانهٔ کادری سازند و خود در خفاً به تدارک حمله آماده‌گی گیرند و به جنرال پیتریوس امکانات شناخت نزدیک از وضع را مساعد سازند، تا "مؤفقیتهای چشمگیری" را در یک جنگ خانمانسوز دیگری وضاحت بخشد.

زیرا هیچ جنرال به این ساده‌گی از صحنه برون نمیرود و همه دستاورد‌های سیستمی اش را در یک اردوی متجاوز، کثیر العده و دارای ماشین بزرگی از کامپلکس صنعتی- نظامی در یک جمله خلاصه نمیکند.

نباید دموکراسی را بدنام کرد، بلکه به آن روح تازه‌ی بخشید تا خلقهای جهان در برابر دروغپراگنی‌های امپریالیستها و همدستان‌شان به دفاع از حقوق اساسی و حقهٔ شان بپردازند.

آقای اوباما! ما میدانیم که با تبدیل جنرالها وضع در افغانستان بهبود نمییابد.